

داستان‌ها و پیام‌های کلیله و دمنه

برگرفته از کلیله و دمنه ترجمه ابوالمعالی نصرالله منشی

نگارش

دکتر حشمت‌الله ریاضی

۱۳۸۶



نشر اوحدی

دفتر: تهران خیابان کارگر شمالی روبروی پارک لاله کوچه میر پلاک ۸
تلفن: ۶۶۴۲۶۴۱۱ تلفن همراه: ۰۹۱۲۱۰۹۹۴۰۹

فروشگاه و مرکز پخش: تهران خیابان روانمهر غربی (بین فروردین و اردیبهشت پلاک ۲۰۸
واحد ۳ تلفن: ۶۶۴۰۵۰۱۸

• نام کتاب: داستان‌ها و پیام‌های کلیله و دمنه

• نوشته: دکتر حشمت الله ریاضی

• ویراستار: حبیب الله پاک گوهر

• حروف چینی و صفحه آرایی: زهرا شاهسوند

• لیتوگرافی: امین گرافیک

• صحافی: سیاره

• چاپ: فراین

• نوبت چاپ: اول بهار ۸۶

• تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

ISBN 964-8234-30-2

• شابک: ۹۶۴-۸۲۳۴-۳۰-۲

ریاضی، حشمت الله، ۱۳۱۴ -

داستان‌ها و پیام‌های کلیله و دمنه / نوشته حشمت الله ریاضی. -

تهران: اوحدی، ۱۳۸۴.

ISBN 964-8234-30-2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتاب حاضر اقتباسی از کلیله و دمنه است.

۱. داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴. ۲. کلیله و دمنه -

اقتباسها.

۳. حیواناتها - افسانه‌ها و قصه‌ها. الف. عنوان

۸۴ فا ۳/۶۲

۲۲۷ ی / PIR ۸۰۷۵

۱۳۸۴

۴۲۶۸۹ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۵.....	سیر تدوین و ترجمه و پردازش کلیله و دمنه
۶.....	توضیحی بیشتر در سیر تدوین و ترجمه‌ی کتاب
۱۴.....	دیباچه‌های مترجمین و باب‌های کلیله و دمنه
۱۴.....	دیباچه از ابوالمعالی نصرالله منشی شیرازی
۱۷.....	سرآغاز ابن مقفع
۲۱.....	باب معرفی کتاب و پیام‌هایی از بوذرجمهر
۲۴.....	باب برزویه‌ی طبیب
۲۵.....	حکایت دزد نادان
۲۷.....	حکایت بازرگان و مزدور
۲۹.....	باب نخست
۲۹.....	شیر و گاو
۲۹.....	بازرگان و فرزندان
۳۰.....	آغاز داستان گاو و شیر و دو شغال
۳۸.....	حکایت زاهد با مرید دزد و کفشگر
۴۱.....	داستان زاغ و مار
۴۲.....	داستان مرغ ماهی خوار
۴۳.....	داستان خرگوش و شیر
۴۷.....	داستان سه ماهی
۵۱.....	داستان مرغابی و ماه
۵۳.....	داستان زاغ و گرگ و شغال
۵۵.....	داستان طیطوی و وکیل دریا
۵۷.....	بقیه‌ی داستان طیطوی
۵۸.....	بقیه‌ی داستان دمنه و شتریه
۵۹.....	داستان پرنده و بوزینگان
۶۰.....	داستان دو شریک، زیرک و ساده
۶۳.....	داستان بازرگانی که صدمن آهن داشت

۶۵	باب دوم
۶۵	جستجو در کار دمنه
۶۸	زن بازرگان و نقاش
۷۰	مرگ کلילה
۷۱	محاكمه‌ی دمنه
۷۱	داستان مدعی طبابت
۷۳	بقیه‌ی داستان دادگاه دمنه
۷۴	غلام خائن
۷۷	تحلیلی از ساخت و پرداخت داستان
۷۸	باب سوم
۷۸	کبوتر طوقدار
۸۳	داستان زنی که کنجد سپید کرده را با کنجد در پوست برابر می فروخت
۸۴	داستان گرک طمع‌کار
۸۵	بقیه‌ی داستان موش و زاغ و سنگ پشت
۸۷	بقیه‌ی داستان کبوتر طوقدار
۹۰	باب چهارم
۹۰	بوم و زاغان
۹۳	داستان پادشاهی بوم بر مرغان و اعتراض زاغ
۹۳	خرگوش‌ها و پیلان
۹۵	داستان کبک نجیر و خرگوش
۹۷	زاهد و دزدان مکار
۹۹	بازرگان و زن و دزد
۱۰۰	داستان دزد و دیو و زاهد
۱۰۱	نجر و زن مکارش
۱۰۳	شوهر موش
۱۰۵	نتیجه و پایان داستان جفدان و زاغان
۱۰۶	مار پیر و غوکان
۱۰۹	باب پنجم
۱۰۹	میمون و سنگ پشت
۱۱۳	روباه و خر

۱۱۶	باب ششم
۱۱۶	زاهد و راسو
۱۱۷	پارسای خیال پرداز
۱۱۹	باب هفتم
۱۱۹	گریه و موش صحرایی
۱۲۳	باب هشتم
۱۲۳	شاهزاده و پرنده
۱۲۹	باب نهم
۱۲۹	شیر و شغال
۱۳۹	باب دهم
۱۳۹	تیرانداز و ماده شیر
۱۴۲	باب یازدهم
۱۴۲	مرد پارسا و مهمان
۱۴۴	زاغ و کبک
۱۴۶	باب دوازدهم
۱۴۶	پادشاه و برهمنان
۱۵۴	دو کبوتر
۱۵۸	باب سیزدهم
۱۵۸	جهانگرد و زرگر
۱۵۹	جهانگرد و زرگر
۱۶۲	باب چهاردهم
۱۶۲	شاهزاده و یارانش

به نام خدای راز دان

مقدمه

ای برادر قصه چون پیمانه است معنی اندر آن بسان دانه است
دانه‌ی معنی بگیرد مرد عقل ننگرد پیمانه را چون گشت نقل

کسی نمی‌داند که سابقه‌ی داستان پردازی ، افسانه آفرینی ، اسطوره و نمادپردازی و تمثیل و مثال از چه زمانی است ، اما می‌توان گفت: حقیقت انسان ذات الهی و هوشمند و ثابت است که با حرکت ذاتی خود سیری مستمر دارد و ماهیت خود را در سه بعد می‌سازد ، ماهیت ساخته شده که همان عرض‌ها و فروع ذات حق انسان می‌باشد به تبع جوهر فردی هوشمند و عرضی ، ساختار جدیدی می‌یابد یعنی بالعرض هوشمند و با شعور و دارای شوق است با توجه به مراتب مختلف ، بدان نام‌هایی داده‌اند: مرتبه‌ی حس ، یاد ، وهم ، خیال ، فکر و عقل که انسان در سیر زندگی فردی و اجتماعی از این مراتب می‌گذرد و بر دامنه‌ی آگاهی او افزوده می‌شود و متکامل می‌گردد (پس آن چه ثابت و ازلی و ابدی است جوهر فردی است و آن چه متکامل می‌شود ماهیت فردی و اجتماعی انسان است.) که تکاملش از سویی به حرکت جوهری فردی و از سویی به آموخته‌ها و تأثیرات عرضی اجتماعی مربوط می‌شود .

انسان از یک سو چون احساس همبستگی ذاتی با همه‌ی موجودات دارد او را به دمسازی با آنان وا می‌دارد و از سوی دیگر چون با عقل که سودگرا و زیان‌گریز است حالتی بین بیم و امید دارد، بیم از خطر و زیان و امید به بهره‌برداری، و این چالش است که در ذهن او می‌گذرد و با هر تجربه افزون می‌شود و شخصیت وی را می‌سازد و شکل می‌دهد و همان معنا زمینه‌ی گرایش‌ها و ارزش‌آفرینی‌ها و خردپردازی‌ها می‌شود و اختلاف عقول پدید می‌آید و سپس در نسل‌ها به صورت ژن‌های حامل ادامه می‌یابد و در دو زمینه توارث و محیط، به صورت لایه‌ی زیرین

و زبرین، ساختار انسانی را می‌سازد و اثر می‌گذارد و در بسط اجتماعی آن همراه با محیط جغرافیایی و سرگذشت تاریخی و طبیعی و انسانی در شکل هنر، عقلانیات، عرفانیات نمودار می‌شود؛ و ما در جغرافیای جهان شاهد گسترش آن هستیم. مثلاً ایرانیان بیشتر حکمت و عرفان را در زندگی شهری تجربه کرده‌اند، مردم کناره‌های مدیترانه در لبنان و اردن و فلسطین و شامات عرفان و عینیت‌نگری و نبوت را گسترده‌اند و فرزنانگان یونانی واقعیت‌های عقلانی قانون‌مند و عقل‌کاربردی و تجربی را در جنبه‌های به کارگیری طبیعت تجربه کرده و به علم و فلسفه بیشتر بها داده‌اند.

اکنون به مسأله نزدیک‌تر شدیم که چرا این سرزمین‌ها مراکز دین، هنر، تمدن و دانش بشری بوده‌اند و آن فرزنانگان چگونه اندیشه‌ی خود را گسترده‌اند.....

هنگامی که به سرزمین هند بنگریم قدیم‌ترین تجربیات اندیشه‌وران را می‌بینیم که به صورت سروده‌های وداها و گیتاها و مهابرات‌ها و اپانیشادها و مانترهای فراوان جلوه کرده است که تماماً بیانگر چیستی انسان و رابطه‌ی او با هستی ملموس و هست آرمانی است، گویا انسان هست ملموس را دلهره آور می‌بیند و به هست آرمانی می‌اندیشد و لاجرم آن را مایا و حجاب کلی می‌پندارد، و به نیستی که هست آرمانی و فضای خدایان است چشم می‌دوزد، اما در بین آریاییان که مردمی مهاجر بوده‌اند تعادلی بین هست آرمانی و هست ملموس وجود دارد که آن را به صورت نمادین حیوانی، انسانی و خدایی ترسیم کرده‌اند و چون همه‌ی آن‌ها کوشیده‌اند که در ذات خود جلوه‌ای از هست حقیقی پدید آورند آنها را آرمانی مورد ستایش قرار داده‌اند، اما زندگی واقعی خود را با عقل سنجیده حدود را تعیین نموده و خرد کاربردی یا عقل عملی را بسیار بها داده‌اند و مسائل مربوط به بود و حقیقت ازلی را بر عهده‌ی دین و پیشوایان دینی گذاشته‌اند و چندان به فلسفه و حکمت نظری نپرداخته‌اند. این نحوه‌ی نگرش موجب شد که چرخه علم و حکمت عملی و دین توسعه یابد و توجه بدان معطوف گردد. و ساختار اجتماعی برآن بنا گردد در این سیر نه تنها فرزنانگان بلکه

برهمنان، موبدان و پیامبران هم از جنبه‌ی لاهوتی خود را پایین کشیده به جنبه ناسویی پرداختند و آثاری پدید آوردند. که برای عرضه کردن بر عامه مردم قابل فهم باشد، زیرا:

چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد

کودکان عموماً از خیال بهره می‌گیرند و در این خیال موجودات اطراف، حتی اسباب‌بازی‌های خود را مثل خود جاندار احساس می‌کنند، لذا رابطه‌ای را بین خود و آنان تجربه می‌کنند و داستان حیوانات در واقع داستان خیال‌پردازی آنان می‌شود. بزرگسالان نیز کم و بیش این گونه احساس دارند، لذا آموزش اثر بخش می‌شود که نخست احساسات خیال‌انگیز را تحریک کند تا بر اثر تداعی معانی، جایگزینی و فرافکنی و خیال این همانی پدید بیاید و استقرار ذهنی حاصل شود و حکم و قانون عقلانی که نتیجه‌ی تجربیات ذهن و عقل است پدیدار گردد.....

این اصل موجب گردید تا معلمان بشری از این شیوه سود جویند و داستان‌های خدایان را خلق کنند که چیزی جز خواستگاه‌های آرمانی برای گرایش‌های دینی نیست و داستان‌های حیوانات را برای گرایش‌های زندگی ملموس مورد نظر قرار داده و در قالب اسطوره‌های نمادین توصیفی در شکل خدایان، قهرمانان و حیوانات ارائه نمایند که افسانه‌ی خدایان همراه با قهرمانان بشری در ایلید و ادیسه، افسانه قهرمانان انسانی در شاهنامه و قهرمانان حیوانی نمادینه شده در کلیله و دمنه از جمله نخستین آنهاست که به عنوان آغاز برای سایر خردپردازان از نویسندگان و شاعران مورد استفاده قرار گرفته است.....

اصل کتاب کلیله و دمنه به نام پنجه تَنتره^۱ در پنج باب بیان زندگی تجربه‌آمیز حالات حیوانی درون و وجود انسان است. نخست از چالشی آغاز می‌شود که بین گاو و شیر است و سپس پای دو شغال به نام‌های کلیله و دمنه به میان می‌آید که

^۱ - Panchatantra، آن پنج بب یا پنج کتاب عبرتند از :

باب شیر و گاو، باب دوستی کبوتر و زاغ، موش، باخه و آهو، باب بوف وزاغ، باب بوزینه و باخه، باب زاهد و راسو (به نقل از پاورقی صفحه‌ی «ز»). انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۴، با تصحیح و توضیح استاد دکتر مجتبی مینوی.

یکی خردمند خیرخواه و عاقبت نگر است، و دیگری خردمند، ولی مکار، مقام دوست و کوتاه بین است که طمع چشم عقلش را بسته و به سرانجام نمی‌نگرد و داستان پیرامون عقل معاش کوتاه بین دمنه و عقل معاد آخر بین کلیله است و یا بین نفس امّاره و عقل است که سرانجام گاو که مظهر صداقت است به وسیله‌ی شیر که نماد عقل چیره‌گر خود آگاه است کشته می‌شود، اما با سعی مادر شیر که نماد وجدان بیدار یا نفس ملهمه است مسأله کشف می‌شود و دمنه (نفس امّاره) محبوس می‌گردد و در خواسته‌هایش بسته و تعلقاتش گسسته می‌شود. بمیرد و عقل بتواند عدالت را در بین دد و دام وجود انسان برقرار کند..... به این ترتیب جنبه‌های فاعلی و انفعالی و عقل معاش و معاد، خرد نیک و خرد بد و کلاً خیر و شر در ذهن و خارج نمادینه می‌شوند و به صورت داستان‌های تمثیلی و مثال گونه در می‌آیند. و ما در خاتمه‌ی هر مبحث به کند و کاو آن‌ها می‌پردازیم.